

تأثیر آیات در افراد مختلف است

پاسخ - عبارات صحیح و بیانات فصیح است ولی امثال نفوسی که بغض و تعصب و غرض در گفتارشان آشکار است و کلمات و عبارات را به غلط نقل می کنند، معلوم است که معانی لطیف عرفانی چهره زیبای خود را از امثال آنان پوشیده است.
مولوی علیه الرحمه در جواب منکرین و مخالفین، نیکو گفته است:

- | | |
|----------------------------|--------------------------------|
| آب نیل است این حدیث جانفزا | یاربش در چشم قبطی خون نما (۱) |
| یا تو پنداری که حرف مثنوی | چون بخوانی رایگانش بشنوی؟ (۲) |
| یا کلام حکمت و سر نهان | اندر آید سهل در گوش کهان؟ (۳) |
| اندر آید لیک چون افسانه ها | پوست بنماید نه مغز دانه ها (۴) |
| در سر و رو در کشیده چادری | رو نهان کرده ز چشمت دلبری (۵) |

آیات الهی نیز همین گونه است. مومنین می خوانند و مصداق آیه شریفه:

((و اِذَا سَمِعُوا مَا اُنزِلَ اِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ اَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا اَمَّا فَاكُنْثَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ)) (۶) می گردند.

یعنی، وقتی که آیات الهی را که به فرستاده خدا فرود آمده بشنوند از تأثیر آن آیات از دیده هایشان اشک شوق جاری گردد و از آنچه از حق شناختند، می گویند: ای پروردگار، ما گرویدیم ما را از شاهدان بنویس.

اما منکرین و مخالفین می گویند: ((قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاُولَیْنِ)) (۷) یعنی، هنگامی که آیات خدا برایشان خوانده شود می گویند: شنیدیم. اگر می خواستیم مانند آن می گفتیم نیست این مگر افسانه های پیشینیان.

و یا می گویند: ((اِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ)) (۸) یعنی: آیا ما خدایان خود را (که به آنها خوی گرفته و اُنس داریم) برای گفتار شاعری مجنون رها کنیم؟ یا با خود پسندی و تحقیر به مومنان می گفتند:

۱- مثنوی ۴/ ۳۴۳۱ ۲- ایضاً ۴/ ۳۴۶۰ ۳- ایضاً ۴/ ۳۴۶۱ ۴- ایضاً ۴/ ۳۴۶۲ ۵- ایضاً ۴/ ۳۴۶۳

۶- قرآن ۸۶/ ۵ ۷- ایضاً ۸/ ۳۱ ۸- ایضاً ۲۷/ ۲۵

((انوء من كما آمن السقها)) (۱) یعنی آیا ما هم مانند نادانان که گرویده اند بگرویم؟ مومنان را نادان پنداشتند و خود را که منکر تعالیم حیات بخش رسول خدا بودند، دانا تصور کردند.

عجیب تاریخ و حوادث زمان تکرار می شود و چون فصول سال تجدید می گردد.

((سنة الله التي قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً)) (۲) روش الهیست و هرگز تبدیل نیابد ((سنه من قد ارسلنا قبلك من رسلنا و لا تجد لسنتنا تحويلاً)) (۳) روشی است که قبلاً رسولان خود را فرستادیم و تغییری در آن نیابی. و نیز در سوره نحل این آیه چنین تکرار شده: ((وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ)) (۴) یعنی، در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم و گفتیم خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید. از آن امت کسانی بودند که خداوند آنان را هدایت کرد و کسانی نیز سزاوار بودند تا در گمراهی بمانند. در روی زمین سیر کنید و عاقبت تکذیب کنندگان را بنگرید که چگونه بوده است.

نمونه دیگر از اغلاط کتاب

نویسنده کتاب ردیه، در یک لوح عربی که تقریباً هیجده (۱۸) غلط نوشته بود، میگوئیم: شاید ایشان به عربی وارد نبوده، اغلاطی مرتکب شده. در نقل فارسی ها نیز اغلاط زیادی دیده می شود. برای نمونه اغلاط صفحه ۶۰۸ و ۶۰۹ در زیر ذکر می شود:

| <u>صفحه</u> | <u>سطر</u> | <u>غلط</u> | <u>صحیح</u> |
|-------------|------------|-----------------------|----------------------|
| ۶۰۸ | ۶ | جبل کرسل | جبل کرمل |
| " | ۸ | من الله | جمله کامل نوشته نشده |
| " | ۹ | جمهوریت پناسا | جمهوریت پناما |
| " | ۱۱ | بوگاندا | یوگاندا |
| " | ۲۳ | امتناع دائره | اتساع دائره |
| ۶۰۸ | ۲۷ | احکام منصوبه کتاب | احکام منصوبه کتاب |
| ۶۰۹ | ۴ | مائره موقوفات | دائره موقوفات |
| " | ۷ | مرقه بقیه البها | مرقد بقیه البها |
| " | ۷ | رمیسن اطهرین | رمسین اطهرین |
| " | ۷ | غضن شهید | غصن شهید |
| " | ۱۲ | مقر بحسن اکبر | مقر سجن اکبر |
| " | ۱۶ | خطائر قدس | حظائر قدس |
| " | ۱۹ | خواصم و مدن | عواصم و مدن |
| " | ۲۴ | اشترتا کف آمار الرحمن | اشتراک اماء الرحمن |
| " | ۲۴ | آوار الرحمن | اماء الرحمن |
| " | ۲۷ | عرض اقدس | ارض اقدس |

وقتی که کلمه ای در جمله غلط نقل شود مسلماً معنی و مفهوم آن جمله مبهم و

نادرست به نظر میاید.

نگین اسم اعظم



در صفحه ۶۱۷ نقش نگین اسم اعظم را کشیده و مقایسه با علائم فراماسونی نموده است.

پاسخ - این نقش نگین انگشتری است شامل اعتقاد بهائی. معانی آن را در لوحی حضرت عبدالبهاء بیان فرموده اند و خلاصه ای است از عالم حق در بالا و عالم خلق در پائین و واسطه ارتباط حق و خلق که عالم امر مظهر الهی می باشد. تمام قسمت های این نقش توضیح داده شده و هیچ رابطه ای با علامت فراماسونی ندارد. و دو (ب) که رابط بین حق و خلق است اشاره به باب و بهاء الله است و همچنین دو ستاره.

آقای ردیه نویس اغلاطی عجیب در صفحات مختلف نوشته است. مثلاً در صفحه ۶۱۹ ((دیانت مقدسه بهائی)) را ((دیانت مقدسه بهائی)) و ((ان ازداد لابس)) را ((ان از لایس)) و ((غصن الله الاطهر)) را ((محضن الله الاطهر)) و ((نقشه سنیه)) را ((نقشه صمیعه)) و ((مراقده مقدسه)) را ((مراقه مقدسه)) و در صفحه بعد ((جشن مئوی)) را ((جشن مثنوی)) و ((مفصله الاسامی)) را ((مغطله الاسامی)) و ((اکلیل جلیل)) را ((اکلیل جلیل)) و ((حضرات ایادی)) را ((حضرت ایادی)) نوشته است.

جمشید معانی و ادعایش

در صفحه ۶۲۱ عکسی از جمشید معانی گذاشته و زیر آن نوشته است:

((شخص دیگری به نام جمشید معانی در اندونزی خود را بهاء‌الله رهبر بهائیان خوانده و جملات عربی (عربی به شیوه باب) نازل فرموده اند و ضمناً در شب آخر زانویه ۱۹۶۶ به معراج رفته اند تا مصداق: هر دم از این باغ بری می رسد، در مورد بهائیت عنایت بیشتری یابد))

پاسخ - اما چیزی از عربی ایشان نقل نکرده است که ملاحظه شود و چنانچه نوشته معلوم می شود از واقعه و تاریخچه زندگی و حرف های جمشید معانی اطلاعی ندارد و شایعاتی شنیده است .

این شخص جوانی بوده بهائی از خانواده بهائی اهل حصار خراسان که برای مهاجرت به اندونزی رفته و مدتی به تبلیغ دیانت بهائی پرداخت. چون عده ای با تبلیغ ایشان بهائی شدند، خیال کرد که این استقبال از گفتار ایشان است خود را جانشین حضرت شوقی افندی دانست. در نتیجه پافشاری بر این ادعا از جامعه بهائی طرد گردید و اثری از او ادامه نیافت. "شَرری بود و در هوا آفسرد" . جالب توجه اینست که طلب رهبری و ادعای ریاست در همه ادیان دیده شده و میشود ولیکن حل قضیه بصورتی مسالمت آمیز و بدون تفرقه و کشتار نمونه ایست شاخص در دیانت بهائی.

دکتر ذبیح قربان و فراماسونی

در صفحه ۶۷۷ بخش دوّم فراماسونری، عکس دکتر ذبیح قربان را درج نموده و صفحاتی در باره این شخص با مطالبی ذکر کرده و از دیگران نقل نموده است و نوشته است ایشان بهائی بوده و دارای رفتاری ناپسند و عضو فراماسونری بوده .

پاسخ

اولاً، دکتر قربان ابتدا بهائی بوده ولی به علت عدم رعایت احکام دیانت بهائی از جامعه بهائی طرد شد .
ثانیاً، هیچ گاه بهائیان در فراماسونی شرکت نداشته و ندارند و این ادعایست بی پایه .